

معرفی اجمالی مفهوم استراتژی

سازمان تحقیقات و خودکفایی

نیروی مقاومت بسیج

استراتژی: Strategia

استراتژی در اصل واژه‌ای است یونانی که به معنای سپهسالاری، سرداری و فرماندهی می‌باشد. این واژه از مقوله اصطلاحات عملیاتی و جنگ است و منظور از آن طراحی و برنامه ریزی برای انجام هرگونه عملیات نظامی در تحقق اهداف مورد نظر که جهت پیروزی بر دشمن است.

استراتژی عبارت است از طرح و نقشه و برنامه‌ای برای هدایت قدرت و توان نظامی یا انجام عملیات جنگی که تکنیک، تاکتیک، لجستیک از عوامل مهم و کاربردی آن می‌باشند. در اینجا لازم است به اختلاف استراتژی و تاکتیک نیز اشاره نمود و نباید پنداشت که تاکتیک همان استراتژی است. بلکه تاکتیک جزئی از مجموعه یک استراتژی است و تاکتیک به روش گذر از هر یک از مراحل عملیات در انجام استراتژی گفته می‌شود.

استراتژی در مفهوم خاص نظامی به معنای فن و هنر بکارگیری تکنیک‌ها و عوامل ویژه در جهت دستیابی به پیروزی و شکست دشمن در جنگ است و در مفهوم خاص سیاسی به معنای تعیین سیاست‌ها و خط مشی‌های تعیین شده و معین در جهت دستیابی به موفقیت در زمینه‌های مختلف سیاسی و اقتصادی می‌باشد. البته یک استراتژی دارای اصول و ویژگیهایی است که به آنها اشاره می‌شود.

یک استراتژی خوب بر اساس عقلانیت، حساسگری و جامع نگری شکل می‌گیرد و تکنیک و لجستیک از عوامل مهم آن به شمار می‌آیند.

قدرت، دیپلماسی قوی، روحیه ملی، منافع اقتصادی، ارزشهای فرهنگی از عوامل و پشتوانه‌های مهم یک استراتژی هستند و یک استراتژی موفق نیازمند به آنها خواهد

بود.

استفاده از ابزار و شیوه‌های مطلوب در اجراء و درک و شناسایی کامل دشمن و برآورد توان خود و دشمن لازم و ضروری است و هر طرح و برنامه‌ای که در این راستا بدون و منظم ریخته نشده باشد، ناقص و محکوم به شکست است.

در رابطه با مفهوم استراتژی نظرات گوناگونی وجود دارد و این واژه نیز چون برخی دیگر از اصطلاحات سیاسی دارای معانی متنوع و وسیعی گردیده است که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌شود.

جی سی وایلن، استراتژی را یک نقشه عملیاتی می‌داند که برای دستیابی به یک نتیجه نهایی طراحی شده است، نیتی خاص که تدابیری برای انجام آن اندیشیده‌اند. به نظر ادوارد لاسکر^۱، استراتژی با کلیت مسایلی که باید در جنگ حل شود سر و کار دارد تا بتواند نتیجه نهایی را که به عنوان هدف دنبال می‌کند، بدست آورد. راسینسکی^۲ و الکس^۳، استراتژی را هدایت جامع قدرت، تاکتیک و اعمال بیواسطه آن می‌دانند.

لیدل هارت^۴ و کلاوسویتز بر حسب اندیشه سنتی استراتژی نظامی این واژه را به معنای هنری می‌دانند که به وسیله آن با به خدمت گرفتن نیروهای نظامی، هدفی را که توسط سیاست‌های کلی دولت و یا ملتی تعیین شده است؛ به دست می‌آید و به عقیده بوفر ذات و مایه اصلی استراتژی یک تأثیر متقابل است که به قول فوش^۵ از برخورد دو اراده مغایر و متضاد بوجود می‌آید.

پس استراتژی به مفهوم طرح، نقشه و برنامه‌ای است که با در نظر گرفتن موقعیت و توان رقیب یا دشمن شکل می‌گیرد و بر آن است تا بهترین و موفقیت‌آمیزترین شکل رقابت یا درگیری را ارائه دهد. استراتژی طرح کلی یک عملیات است و برنامه‌ای است که دست‌مایه فرماندهان قرار می‌گیرد. حال این عملیات می‌تواند نظامی و یا حتی غیر نظامی باشد!

1 - Edward Jasker

2 - Rosinski

3 - Eccles

4 - Liddell Hart

5 - Fosh

باید گفت نقش استراتژی در زندگی پرفراز و نشیب بشر طولانی است و ریشه در تحولات تاریخ دارد.

از آن زمان که جنگ و درگیری در صحنه زندگی اجتماعی انسان ظهور کرد و فرماندهان و سرداران نظامی شیوه‌های بدست آوردن پیروزی بر دشمن را در ذهن خود می‌پروراندند، استراتژی بوجود آمد و از طرحهای اولیه و ابتدایی جنگ و گریز تا شیوه‌های نوین عملیات نظامی پیشرفته در عصر کنونی استراتژی شکل گرفت. استراتژی همیشه بوده است و چیزی نیست که تازه کشف شده باشد و نسبت دادن آن هم به فرد و یا ملت خاصی اشتباه خواهد بود.

اما در زمینه تبیین موضوع استراتژی باید گفت هنری لوید انگلیسی نخستین فردی بود که ابعاد آن را مورد تأمل و تعمق قرار داد و در مقدمه‌ای که بر کتاب خود بنام تاریخ جنگ ۷ ساله نوشت، به برخی از عوامل عمومی آن اشاره نمود.

از آن زمان تاکنون واژه استراتژی کاربردهای فراوانی پیدا کرده است و دارای آنچنان وسعتی شده است که امروزه تقریباً به هر طرح و برنامه قابل اجرایی استراتژی گفته می‌شود که از همه مهمتر راهیابی این واژه از مقوله نظامی به عرصه سیاست است.

کلاوسوتیز از جمله کسانی است که با جدا نمودن تکنیک از استراتژی، از آن به عنوان به کارگیری نیروها برای دستیابی به هدف جنگ توسط سیاستمداران یاد می‌کند. در نظر وی استراتژی ادامه سیاست است.

رابرت ازگود نیز از جمله کسانی است که استراتژی را ادامه سیاست می‌داند و آن را عامل مهم و سرنوشت ساز در جهت پیشبرد دیپلماسی و اهداف سیاست خارجی یک کشور به حساب می‌آورد.

راهیابی استراتژی به قلمرو دیپلماسی و کاربرد آن در مفهوم سیاسی بعدها مورد استفاده جدی قرار گرفت و کسانی چون بوفر و ریون آرون نیز آن را در موضوعات سیاسی به کار گرفتند.

ریمون آرون^۱ با آشتی دادن استراتژی و دیپلماسی آن دو را تأمین کننده اهداف سیاست خارجی دولتها می‌داند. او می‌گوید:

استراتژی در مجموع به عملیات نظامی اطلاق می‌گردد و دیپلماسی به هدایت روابط بین‌الملل و اهداف سیاسی دولت‌ها که هر دو آنها تابع عامل اساسی دیگری بنام «سیاست» هستند که خود بر محور منافع ملی استوار است.

بدین ترتیب او استراتژی و دیپلماسی را تابع سیاست دانسته و آن را در چارچوب سیاست خارجی مورد اشاره قرار می‌دهد.

مفهوم استراتژی از این هم فراتر رفت و شامل کلیه فعالیتهای نظامی، غیر نظامی، زمان جنگ گردید و تمام ملاحظات مربوط به عوامل غیر نظامی «اقتصادی، روانی، روحی، سیاسی، تکنولوژیک» را در بر گرفت.^۱

پیداست که امروزه استراتژی مفاهیم وسیعتری از گذشته را در بر گرفته است و از مفهوم یک طرح عملیاتی صرفاً نظامی فراتر رفته به طوری که استراتژی اکنون دکترین سیاسی، نظامی، امنیتی، اقتصادی، اجتماعی یک کشور است و طرح بلند مدت و کلان یک نظام در مسیر رشد و توسعه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و امنیتی به حساب می‌آید.

و در مورد استراتژی تقسیم‌بندی‌هایی نیز صورت گرفته است که اجمالاً به آنها اشاره می‌شود.^۲

در یک تقسیم‌بندی، استراتژی را به کلاسیک و علمی تقسیم کرده‌اند که اولی ریشه در تجربیات گذشته و تاریخ و دومی ریشه در عقلانیت تئوریک دارد و اهداف سیاسی را می‌جوید.

در یک تقسیم‌بندی دیگر استراتژی به انهدامی و فرسایشی تقسیم شده است که در اولی هدف انهدام کامل دشمن و در دومی هدف تضعیف تدریجی دشمن است.

در میان انواع استراتژی‌ها باید به سه نوع مهم آن یعنی استراتژی نظامی، استراتژی ملی و استراتژی بزرگ اشاره کرد.

منظور از استراتژی نظامی علم و هنر توسعه و بکارگیری نیروی نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی و نظامی از طریق تهدید یا توسل به زور است. منظور از

۱- روابط بین‌الملل در ثوری و در عمل، علی اصغر کاظمی، انتشارات وزارت امور خارجه.

۲- کنکاشی در ماهیت و کارکردهای استراتژی، مجله سیاست دفاعی شماره مسلسل ۹.

استراتژی ملی، علم و هنر توسعه و بکارگیری قدرتهای سیاسی، نظامی، اقتصادی، روانی و تکنولوژیک برای دستیابی به اهداف سیاسی مورد رقابت از طریق تهدید و یا توسل به اعمال فشار است. و منظور از استراتژی بزرگ علم و هنر توسعه و بکارگیری قدرتهای سیاسی، اقتصادی، روانی، تکنولوژیک در کنار قدرت نظامی برای دستیابی به اهداف سیاسی، نظامی مورد رقابت از طریق تهدید و یا توسل به زور است. استراتژی بزرگ از دیگر استراتژی‌های مهمتر است و مفهوم وسیعتری را در بر می‌گیرد.

در اینجا می‌توانیم دست به تقسیم‌بندی بزنیم و با در نظر گرفتن عوامل و اهداف استراتژی‌ها را به نظامی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، امنیتی، ملی، و حتی فرهنگی، تبلیغاتی، هنری و انتخاباتی تقسیم کنیم.

در یک مفهوم کلی استراتژی‌ها را در سه موضوع ذیل خلاصه می‌کنیم.

۱ - تصمیم و اقدام در مورد هدایت و راهبری رفتارها و امور ویژه «فرماندهی و هدایت».

۲ - نظریه‌ها، تئوریا و اندیشه پردازیه‌ها و اصول ارائه شده از سوی استراتژیست‌ها «طرح و نظریه».

۳ - دکترین استراتژیک یک کشور که مفهوم وسیعی را در بر می‌گیرد «دکترین».

منابع

آقا بخشی، علی، فرهنگ علوم سیاسی.

آشوری، داریوش، دانشنامه سیاسی.

کاظمی، علی اصغر، روابط بین‌الملل در تئوری و در عمل، انتشارات وزارت امور خارجه.

حسینی، علی اصغر، کنکاشی در ماهیت مفاهیم و کارکردهای استراتژی، مجله سیاست دفاعی شماره مسلسل ۹.



پښتونستان ګاونډي علوم او مطالعات فرېنډي
پرتال جامع علوم انساني